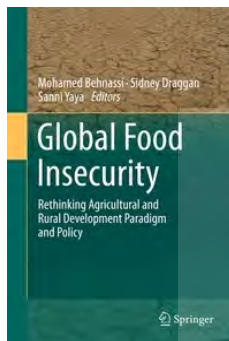




## بررسی کتاب



***Global Food Insecurity; Rethinking Agricultural and Rural Development Paradigm and Policy/ Edited by Mohamed Behnassi, Sidney Draggan and Sanni Yaya. New York: Springer, 2011, 408 p.***

نامنی غذایی جهانی؛ بازاندیشی در پارادایم و سیاست توسعه کشاورزی و روستایی / ویراستاران: محمد بناسی، سیدنی دراگان و سنی یایا. نیویورک: اسپرینگر، ۲۰۱۱، ۴۰۸ ص.

در نوامبر ۲۰۰۹، کنفرانسی با عنوان «ادغام کشاورزی پایدار، توسعه روستایی و سیستم‌های زیست‌بومی با عطف نظر به تغییرات اقلیمی، بحران انرژی و ناامنی غذایی» در کشور مراکش برگزار شد و کتاب حاضر یکی از دستاوردهای این کنفرانس است. در این کنفرانس، تأکید شد که توسعه علمی و فناورانه صرف نمی‌تواند به حل مشکلاتی از این قبیل راه برد و تقویت حکمرانی دموکراتیک، توسعه فرایندهای کاهنده فقر، پیوند دانش بومی و سنتی به رویکردهای نوین پژوهش و ارزیابی علمی و مانند آن را نیز نباید از نظر دور داشت. کنفرانس یادشده، برای پرداختن به سه مسئله پایداری کشاورزی، توسعه روستایی و امنیت غذایی، یک نقشه راه فراهم آورد و در این کتاب نیز تلاش شده ساختاری برای تحقق این نقشه طرح شود.

کتاب از چهار بخش و ۲۴ فصل تشکیل شده و بخش اول آن، با عنوان «کشاورزی و توسعه روستایی به‌مثابه نقطه کانونی پایداری و امنیت غذایی»، هفت فصل را

دربرمی‌گیرد. در فصل اول زیر عنوان «یک چارچوب مفهومی جدید برای ارزیابی عملکرد توسعه روستایی: پایداری مقیاس، پهنه و ادغام»، از چارچوبی به شکل یک ماتریس سه در سه استفاده شده که به عنوان یک ابزار توصیفی، سه وجه اقتصادی، زیست‌بومی و جامعه‌شناختی پایداری توسعه روستایی (به عنوان سه معیار) را در خود جای داده است، و نیز این موضوع بررسی می‌شود که چگونه می‌توان این ابزار را در طراحی سیستمی به کار بست که مقیاس، پهنه و ادغامی بهینه (به عنوان سه راهبرد) را به دست دهد. فصل دوم، «یک رویکرد مبتنی بر دانش به کشاورزی پایدار»، این مسئله را به بررسی نهاده که آیا کشاورزان از دانش مناسب و کافی برای پذیرش رویه‌هایی که به کشاورزی پایدار می‌انجامد، برخوردارند یا خیر. این فصل، در واقع، به شیوه‌هایی می‌نگرد که کشاورزان از آنها بهره می‌گیرند تا خرید بومی خویش را سامان بخشند.

فصل سوم، «کشاورزی پایدار به عنوان تضمین‌کننده توسعه روستایی پایدار: واقعیت یا افسانه؟»، بدین موضوع توجه دارد که فقر را تا چه میزان می‌توان یک پدیده روستایی دانست، و نیز اینکه نقش توسعه کشاورزی در کاهش فقر روستایی و اهمیت احیای توسعه روستایی در راستای رشد اقتصادی گسترده چیست؟ نقش زارعان خرده‌پا و کشاورزان زن در توسعه روستایی از دیگر مباحث این فصل است. فصل چهارم، «سیاست‌گذاری برای کشاورزی پایدار با تمرکز بر تولید و مصرف»، بهره‌گیری حداقلی از منابع و محیط زیست در رویه‌های کشاورزی و تولید مواد غذایی را به بحث می‌گذارد و از همکاری نهادهای ملی و مجامع بین‌المللی در این زمینه یاد می‌کند. افزایش آگاهی در زمینه بهداشت عمومی، حمایت دولت از مواد غذایی سالم (از دیدگاه حفظ محیط زیست)، و مالیات ویژه برای مواد غذایی آسیب‌زننده به منابع طبیعی از جمله سیاست‌هایی است که در این فصل مطرح می‌شود. در فصل پنجم، «رابطه میان اسلام و کشاورزی پایدار در اجتماعات روستایی مسلمانان امریکا»، با اتکا به مطالعه قوم‌نگارانه کشاورزی کوچک‌مقیاس این گروه دینی، از دین به عنوان عامل بالقوه تغییر پارادایمی

در رویه‌های کشاورزی یاد شده که بر انگیزه، اصول اخلاقی، شیوه‌های عمل اشتراکی و نهادهای این اجتماعات روستایی اثر نهاده است.

فصل ششم، «توسعه کشاورزی با هدف پایداری و امنیت غذایی»، برپایه تجارب کشور نیجریه، به مسائلی همچون اقتصاد روستایی، رشد جمعیت، تخریب محیط زیست و تغییرات فناورانه می‌پردازد. نویسنده، در این فصل، محیط زیست را به عنوان حوزه توسعه کشاورزی در نظر گرفته و موضوعاتی نظیر شیوه‌های کاربری زمین، ترویج فناوری‌های کم‌نهاد و مدیریت مشارکتی منابع توسعه را از جنبه امنیت غذایی و پایداری کشاورزی به بررسی نهاده است. مشارکت فعال روستاییان در فرایندهای تصمیم‌گیری مرتبط با توسعه از مهم‌ترین گزاره‌های این فصل به‌شمار می‌رود. در فصل هفتم، «دوراهی حساس کشاورزی در آفریقا: ایجاد توازن بین الزامات بهره‌وری فزاینده و چالش‌های پایداری»، تلاش می‌شود تا پاسخی برای این پرسش به‌دست آید که «آیا کشاورزان آفریقایی باید به روش‌های تولید نوین و بازارمحور روی آورند یا دانسته‌های خود از نظام‌های طبیعی را به‌کار بندند؟». نویسنده بر نقش محوری کشاورزان خرده‌پا و نظام‌های دانش بومی در امنیت غذایی این منطقه بحران‌زده (در قیاس با سایر مناطق جهان) تأکید می‌ورزد.

بخش دوم کتاب، با عنوان «حکمرانی در جهت امنیت غذایی: چالش‌های عمده و مباحث مرتبط»، از شش فصل تشکیل شده است. فصل هشتم، «تعدیل بحران غذایی: لزوم بهبود حکمرانی جهانی در زمینه مواد غذایی»، به‌جای تمرکز بر میزان مواد غذایی تولیدشده، دسترسی به غذا را به عنوان مسئله مهم مباحث امنیت غذایی به بحث می‌گذارد. اگرچه نمی‌توان از اثرات منفی جهانی شدن بر بحران غذایی چشم پوشید، اما گرسنگی در بسیاری از بخش‌های جهان تا حد زیادی جنبه محلی دارد و به شکل محلی نیز ایجاد می‌شود. اینجاست که بهبود حکمرانی ملی، به عنوان پیش‌شرط بهبود حکمرانی در سطح جهان، مد نظر قرار می‌گیرد. فصل نهم، «مرگ روزانه هجده‌هزار کودک به دلیل گرسنگی»، مرگ روزانه این تعداد کودک و هفت‌هزار بزرگسال در جهان

از گرسنگی و نیز این نکته را یادآور می‌شود که یک میلیارد نفر از مردم جهان شب را با گرسنگی به صبح می‌رسانند؛ این در حالی است که ضایعات مواد غذایی در آمریکا و انگلستان به ۶۳ میلیارد دلار در سال می‌رسد و با هزینه جنگ آمریکا در عراق می‌توان غذای یک میلیارد نفر را به مدت پنج سال تأمین کرد. یکی از راه‌های فوری کاستن از این بحران غذایی، افزایش کمک سالانه کشورهای ثروتمند به سازمان ملل است و در کنار آن، سیاست‌گذاری در راستای رشد تولید کشاورزی در کشورهای فقیر.

فصل دهم، «سیاست‌های کشاورزی پایدار در استرالیا»، بدین موضوع می‌پردازد که چگونه ایدئولوژی فراگیر نولیبرال وجوه مختلف سیاست‌گذاری کشاورزی، توسعه بازارها و کاربرد منابع طبیعی در استرالیا را تعیین می‌کند. به نظر نگارنده این فصل، دستورکار نولیبرال نمی‌تواند نیازهای اجتماعی، زیست‌محیطی و بهداشتی اجتماعات کشاورزی استرالیا را برآورده سازد. فصل یازدهم، «پتانسیل‌ها و محدودیت‌های تحلیل موسوم به چرخه زندگی»، این تحلیل را به مثابه ابزاری برای ارزیابی تأثیرات زیست-محیطی تولیدات، فرایندها و خدمات به کار برده و این پرسش را به بررسی نهاده است که «آیا می‌توان از نتایج چنین تحلیلی برای ترویج کشاورزی سالم (از حیث اثرات زیست‌محیطی) استفاده کرد یا خیر؟». فصل دوازدهم، «ارتباطات مخاطره‌آمیز»، به بررسی تحلیل مخاطره (شامل ارزیابی و مدیریت مخاطره و نیز ارتباطات مخاطره‌آمیز) به منزله مؤلفه‌ای کلیدی در کاهش ناامنی غذایی و تقویت نظام‌های تأمین غذا و البته بیشتر به مقوله ارتباطات می‌پردازد. فصل سیزدهم، «چالش‌های زیست‌محیطی در آسیای جنوبی و معانی نهفته در آن از جنبه امنیتی»، ضمن تمرکز بر ناآرامی‌های درون-دولتی و تأکید بر رابطه پیچیده مقولات توسعه، جمعیت، فقر، تضاد قومی و مهاجرت انبوه با محیط زیست طبیعی، در این مسئله کنکاش می‌کند که «آیا تأثیرات اجتماعی و اقتصادی تغییرات اقلیمی تشدید تعارضات در این منطقه را در پی داشته است یا خیر؟». بخش سوم کتاب، با عنوان «انرژی و تغییرات اقلیمی به مثابه عوامل جدید و عمده بازتعریف توازن غذایی در سطح جهان»، شش فصل را در خود جای داده است. در

فصل چهاردهم، «تغییرات اقلیمی، فصلی بودن و گرسنگی: تجارب آسیای جنوبی»، از احتمال افزایش ناامنی غذایی در نواحی روستایی جنوب آسیا بحث به میان می‌آید و اینکه در این مناطق، سیاست‌گذاری کشاورزی و اقدامات رفاهی تا چه میزان می‌توانند با شرایط متغیر و مخاطرات فصلی انطباق یابند. در فصل پانزدهم، «اثر تغییرات آب و هوایی بر غذا و امنیت انسانی در نیجریه»، در کنار توجه به رخدادهایی نظیر سیل و خشکسالی بر اثر تغییرات اقلیمی، دگرگونی در آب و هوا فراتر از یک مسئله زیست-محیطی تلقی شده است. نویسنده، با اشاره به گروه‌های مختلف روستایی (مانند کشاورزان، ماهیگیران، و گله‌داران)، از حیث مواجهه با چالش‌های جدید، به بررسی پیامدهای انسانی، اقتصادی، اجتماعی و کشاورزی تحولات اقلیمی می‌پردازد.

فصل شانزدهم، «ارزیابی کمی تغییرات آب و هوایی از طریق مدل‌های تولید هوا در ایران، تهران»، توسط پنج محقق ایرانی به نگارش درآمده و دگرگونی در ترکیب جو به علت فعالیت‌های انسانی را مورد توجه قرار داده است. این محققان کوشیده‌اند مسائلی همچون کاهش بارندگی، افزایش دمای هوا، میانگین تعداد روزهای گرم و خشک در سال، و احتمال سیلاب را در فاصله زمانی ۲۰۳۹-۲۰۱۰ پیش‌بینی کنند؛ و بر این باورند که در کنار گرم‌تر شدن زمین تا سال ۲۰۲۰، نباید از باران‌های سیل‌آسایی که پوشش زمین و خاک را از بین می‌برند، غفلت کرد. در فصل هفدهم، «نقش سوخت‌های زیستی در پایداری محیط زیست»، این پرسش‌ها به کندوکاو گذاشته شده است: تولید و مصرف سوخت‌های زیستی در کشورهای اتحادیه اروپا در چه سطحی قرار دارد؟ چگونه می‌توان این موضوع را در راستای توسعه پایدار محیط زیست به کار بست؟ و آثار اقتصادی و اجتماعی بلندمدت تولید این سوخت‌ها کدامند؟

در فصل هجدهم، «مقایسه روندهای زیست‌بومی در آمریکای جنوبی»، از ضرورت ایجاد یک نظام ارزیابی مبتنی بر چگونگی نقش زمینه‌های اقتصادی و سیاسی متفاوت در افزایش یا کاهش مشکلات زیست‌محیطی سخن به میان آمده و همچنین، بحثی درباره کارایی مصرف انرژی و بهره‌وری منابع آب مطرح شده است. فصل نوزدهم،

«انرژی بیوگاز حاصل از فرآورده‌های جانبی کشاورزی»، بدین مسئله می‌پردازد که نظام‌های زراعی ارگانیک پس‌مانده‌های ارگانیک بسیاری نیز برجای می‌گذارند که در تولید بیوگازها به کار می‌آیند، که البته چالش‌های فنی و اقتصادی آن را نباید از نظر دور داشت.

بخش چهارم کتاب، با عنوان «کشاورزی پایدار و امنیت غذایی: تجارب مرتبط»، پنج فصل را شامل می‌شود. در فصل بیستم، «کشاورزی پایدار و بحران غذایی در جنوب صحرای آفریقا»، این‌گونه بحث و بررسی می‌شود که برای دستیابی به کشاورزی پایدار و توسعه روستایی در این منطقه، نخست، باید چاره‌ای برای فقر و ناامنی غذایی اندیشید. افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به غذا منابع طبیعی و زمین‌های این منطقه را با بهره‌برداری بی‌رویه روبه‌رو ساخته و تغییرات اقلیمی نیز توسعه پایدار کشاورزی در این بخش از جهان را در تنگنا قرار داده است. فصل بیست و یکم، «اوج‌گیری قیمت مواد غذایی؛ آسیب‌پذیری و واکنش‌های آفریقا»، توجه دوباره به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و اهمیت یافتن این بخش در دستورکارهای توسعه برخی کشورها در نتیجه افزایش ناگهانی بهای مواد غذایی را مهم قلمداد می‌کند. نویسنده، همچنین، به بحث پیرامون تأثیر این وضعیت بر تجارت منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری خارجی می‌پردازد.

فصل بیست و دوم، «نقش زراعت نباتی در افزایش امنیت غذایی خانوار»، با اتکا به پروژه‌های کشاورزی کوچک‌مقیاس و مبتنی بر راه‌حل‌های محلی در کشور زیمبابوه، کاهش پایدار گرسنگی در جوامع روستایی را در گرو توجه به ابتکارات اجتماع محلی در اقدامات توسعه‌ای و کمک‌های خارجی می‌داند. در فصل بیست و سوم، «تغییر چشم‌اندازهای کشاورزی: الزامات زیست‌بومی کشاورزی پایدار»، با نگاهی به تجارب ایالت پنجاب هند، از ضرورت اتخاذ یک رویکرد چندرشته‌ای - متشکل از علوم زیست‌محیطی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی - به‌منظور توسعه نظام‌های غذایی

و کشاورزی پایدار بحث به میان آمده و همچنین، نگارنده باب بحث پیرامون کشاورزی تخصصی و فناوری‌های حفظ منابع را گشوده است.

سرانجام، در فصل بیست و چهارم، «مسائل نوپدید سیاست‌گذاری با توجه به نظام ارائه نهادهای کشاورزی»، با نگاهی به وضعیت کشور نیجریه، بدین موضوع توجه شده است که چگونه می‌توان به کارآیی در سیاست‌گذاری در زمینه عرضه نهادهای کشاورزی (مانند بذر) و نظام توزیع این نهادهای با هدف امنیت غذایی دست یافت.

کتاب حاضر، در قالب یکی از جدیدترین کتاب‌های حوزه توسعه روستایی و کشاورزی، ویژگی‌هایی دارد که به کار برنامه‌ریزان و پژوهشگران روستایی کشورمان خواهد آمد. این کتاب، با بهره‌گیری از منابع پرشمار و کاملاً جدید، گستره‌ای از مباحث روستایی را پیش روی علاقه‌مندان این موضوعات می‌گشاید. هر فصل کتاب ساختار یک مقاله علمی-پژوهشی را داراست که بر اعتبار علمی اثر می‌افزاید. نویسندگان فصول مختلف از متخصصان رشته‌هایی همچون اقتصاد و سیاست‌گذاری کشاورزی، ترویج و فناوری کشاورزی، توسعه روستایی، زیست‌بوم‌شناسی، مهندسی کشاورزی، طراحی و مدیریت زیست‌بومی، علم تغذیه، و جغرافیا به‌شمار می‌روند که این نکته ماهیتی چندرشته‌ای به کتاب بخشیده است. همچنین، در فصول گوناگون کتاب، از جداول، نمودارها و اشکال فراوان و جالب توجه استفاده شده و در کنار آن، به داده‌ها و آمارهای جدید مؤسسات مطرح بین‌المللی همانند سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی، سازمان تجارت جهانی، یونیسف، و بانک‌های توسعه منطقه‌ای استناد شده است. پیش‌بینی روندهای آینده سیاست‌گذاری روستایی (برای نمونه، تا سال ۲۰۵۰) از دیگر نکات حائز اهمیت کتاب به‌شمار می‌آید.

دیدگاه مقایسه‌ای حاکم بر کتاب، و بررسی مناطق و کشورهای مختلف، به جهان-شمولی و غرب‌محور نبودن آن کمک کرده است. علاوه بر توجه به اروپا، آمریکا و استرالیا، شماری از کشورهای در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته نیز در این کتاب، مد نظر قرار گرفته‌اند که از آن میان، می‌توان به کشورهای هند، بنگلادش، پاکستان،

نیجریه، سری‌لانکا، بوتان، و زیمبابوه اشاره کرد. بدین‌سان، در این کتاب، هم از کشورهای توسعه‌یافته بحث می‌شود و هم از ملل در حال توسعه، که البته سیاست‌های روستایی این دسته از کشورها نزدیکی بیشتری با ایران دارد؛ به‌ویژه، اختصاص یک فصل از کتاب به ایران و نیز نقل آياتی از قرآن کریم در زمینه کمک به دیگران بسیار جالب و قابل توجه است؛ و همین‌طور هم بررسی رابطه دین و توسعه روستایی، که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. افزون بر این، کتاب «ناامنی غذایی جهانی؛ بازاندیشی در پارادایم و سیاست‌گذاری کشاورزی و توسعه روستایی» دو موضوع مطرح و مورد بحث در محافل علمی بین‌المللی را به بحث و بررسی نهاده است: یکی، افزایش ظرفیت و در نظر گرفتن قابلیت‌های اجتماع محلی و دیگری، مقوله جامعه مخاطره‌آمیز. از مباحث ارائه‌شده درباره اثرات دگرگونی‌های اقلیمی بر توسعه روستایی و کشاورزی نیز می‌توان در سیاست‌گذاری روستایی کشورمان سود جست.

مهدی ابراهیمی\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (mehdi16359@gmail.com)